

یکشنبه 3 فروردین 1399 - 27 رجب 1441 - 22 مارس 2020

تاج‌گذاری "آغا محمد خان قاجار" در تهران و آغاز پایتختی این شهر (1175 ش)



تاج‌گذاری "آغا محمد خان قاجار" در تهران و آغاز پایتختی این شهر (1175 ش)، پس از لشکرکشی آغامحمدخان قاجار به قفقاز و تسلط بر آن نواحی، مخالفان وی همگی یا به اطاعت از خان قاجار گردن نهادند یا سرکوب شدند. در این موقع، وی زمینه را برای اعلام مقصود اصلی‌اش؛ در نوروز سال 1175 ش برابر با دوازدهم رمضان 1210 ق، در تهران، به نام پادشاه ایران و سرسلسله پادشاهی قاجار تاج‌گذاری کرد. از همان روز، شهر نوپای تهران، که در حدود 25 الی سی هزار نفر جمعیت داشت و بیش از نیمی از آنان سربازان آغامحمدخان قاجار بودند، به عنوان مرکز کشور و پایتخت رسمی دودمان قاجار اعلام شد. آغامحمدخان، با آرزوهای دور و دراز خود و جویندگی مقام خلافت اسلامی، تهران را دارالخلافه نامید. نزدیک بودن به محل ایل قاجار در استرآباد مازندران، موقعیت جغرافیایی شهر به لحاظ قرار گرفتن در مرکز ایران و محدود شدن کوه در سه طرف، از جمله دلایل اصلی انتخاب تهران برای پایتختی قاجار بود. آغامحمدخان در طول سالیان فرمانروایی خود، قبل و بعد از تاج‌گذاری، جنایات متعددی مرتکب شد و انسان‌های بی‌شماری را به کام مرگ فرستاد. تا این که دو سال بعد در یکی از لشکرکشی‌هایش به گرجستان توسط دو تن از خدمتکارانش کشته شد.

تأسیس، چه علمیه قم توسط آیت‌الله "حاج شیخ عبدالکبیر حائری ندوی" (1301 ش)، اندیشه تأسیس حوزه علمیه قم ریشه در روایات امامان معصوم به ویژه امام صادق (ع) داشت و در طول قرن‌ها، این نوید امامان بزرگوار شیعه بود که همواره زبان به زبان نقل می‌شد و در ذهن شیعیان جای می‌گرفت. تا این‌که در فروردین 1301 ش در جلسه‌ای که علمای قم و آیت‌الله حائری یزدی، در آن شرکت داشتند، گفتگو پیرامون تأسیس این حوزه شکلی جدی به خود گرفت. پس از تفأل به قرآن، سرانجام با حمایت علما، کسبه و مردم، حوزه علمیه قم به دست توانای مرجع بزرگوار تقلید، حضرت آیت‌الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی در سوم فروردین 1301 ش (1341 ق) تأسیس شد. شکوه و عظمت حوزه علمیه قم از آغاز تا به امروز، هر سال چشمگیرتر از گذشته در عرصه‌های مختلف نمود داشته است و پرتو آثار وجودش، افق‌های جدیدی از دورترین نقاط این عالم را در نور دیده است. این حوزه باشکوه، گذشته از این که بزرگ‌ترین دانشگاه علوم اسلامی است، در رشته‌های فقه، اصول، حقوق، عرفان، فلسفه، اقتصاد، تفسیر، کلام و... پاسخگوی نیازهای اجتماعی، فرهنگی و فکری جامعه نیز بوده و هست. حوزه علمیه قم در طول عمر با برکت خود، صدها عالم، فقیه، مفسر، اصولی و محقق و مؤلف را در خود پرورش داده و همچون چشمه‌ای روحانی، تشنگان علم و حقیقت را سیراب می‌سازد.

معیت امام ختم، مرتبت حضرت "محمد بن عبدالله" (ص)، (سینه سال قبل از هجرت) حضرت محمد (ص) قبل از بعثت، در بعضی از اوقات برای تفکر و عبادت به غار حرا در کوهی واقع در شمال مکه پناه می‌برد تا این که در این روز، فرشته‌ای وحی، جبرئیل امین، بر آن حضرت نازل شد و به آن حضرت بشارت نبوت و رسالت داد. این واقعه به طور مشهور، در روز 27 رجب، سیزده سال قبل از هجرت و در سال چهل‌ام الفیل برابر با سال 610 میلادی روی داد. اولین آیاتی که بر حضرت نازل شد در ابتدا آیات نخستین سوره‌های علق و سپس مَدَنَر بود. آغاز اسلام و شروع بعثت با نام خدا، خواندن، قلم، قیام، هشدار، پاک‌ی و اخلاص و بزرگداشت خدا شروع شد. بعثت که به معنی رستاخیز معنوی و انقلاب در همه‌ی امور است با انقلاب فرهنگی آغاز گردید. چرا که پایه و اساس تحوّل فرهنگی به خواندن، نوشتن و پاک‌سازی و بهسازی فرهنگی بستگی دارد. در آن زمان محیط مکه و اطراف آن، چنان در لجن‌زار بت‌پرستی و خرافات و فساد غرق بود که دعوت علنی بر خلاف آن وضع، ممکن نبود. بلکه نیاز به هسته‌ای مرکزی و دفاعی و اجتماعی یاران وفادار و فداکار داشت. از این رو، پیامبر بزرگ اسلام (ص) سه سال به طور محرمانه با افراد تماس می‌گرفت و آن‌ها را به اسلام دعوت می‌نمود. پیامبر گرامی اسلام، پس از بعثت، نستوه و خستگی‌ناپذیر با جهل، کفر و ستم مبارزه کرد و پس از سه سال تبلیغ مخفی و ده سال دعوت علنی مردم به توحید و ترویج آشکار دین اسلام در شهر مکه، به مدینه هجرت کرد و تا پایان عمر خویش در آن دیار ماند.

در گذشت "میرزا احمد محتصد آذربایجانی" عالم بزرگ شیعه (1265 ق) میرزا احمد بن لطفعلی خان آذربایجانی مغانی تبریزی، از علمای بزرگ امامی اواسط قرن سیزدهم هجری می‌باشد. وی برای تحصیل علوم اسلامی، راهی کربلائی معنی گردید و به مقام عالی اجتهاد دست یافت. میرزای تبریزی سپس به تبریز بازگشت و در ارشاد و راهنمایی مردم و رفع حوایج آنان اهتمام ورزید. از ایشان تالیفاتی به جای مانده که مَنَهَجُ الرَّشَادِ فی شرح الارشاد از اوست. میرزای تبریزی در تبریز وفات یافت و پس از انتقال جسد، در نجف اشرف به خاک سپرده شد.

خلع سلاح ستا، خان و باق‌خان و مجاهد، تحت فرمان آن‌ها در تهران (1328 ق)، به دنبال ترور و شهادت آیت‌الله سیدعبدالله بهبهانی از رهبران روحانی مشروطه در هشتم رجب سال 1328 ق، دولت و مجلس تصمیم گرفتند که اسلحه را از دست مجاهدان بگیرند. اما همین که قانون جمع‌آوری اسلحه از

د گذشت "بهان ولفگانگ گهته" شاعر، شاعر آلمانی (1832م) یوهان ولفگانگ فون گوته ادیب نام‌آورد آلمانی، در 28 اوت 1749م در شهر فرانکفورت آلمان به دنیا آمد. وی پس از طی تحصیلات ابتدایی، به فراگیری حقوق و پزشکی پرداخت و از آن پس به ادبیات و فلسفه روی آورد. گوته علاوه بر آن، زبان‌های لاتین، انگلیسی و فرانسوی را نیز آموخت. آثار اولیه گوته، در دورانی از ادبیات آلمان آغاز شد که آن را دوره توفان و فشار می‌گویند و پیش درآمد جنبش رمانیتک و داستان‌سرایی بود که در قرن نوزدهم، سراسر اروپا را در بر گرفت. گوته با الهام از تفکر اصالت احساس، به سرودن شعر و غزل همت گماشت و در این راه، گویی سبقت را از همگان ربود. هم‌چنین گوته با مطالعه دیوان حافظ، شیفته لسان‌الغیب شیراز شد و تصمیم گرفت مضامین را که از ادبیات مشرق زمین مورد توجهش قرار گرفته در قالب اشعاری به زبان آلمانی بریزد. وی در ملحقات این اثر که به دیوان شرقی معروف است، به ستایش قرآن و پیامبر عالی‌قدر اسلام (ص) پرداخته و می‌گوید: "قرآن را باید قانون خدایی دانست و نباید آن را مانند کتاب‌هایی تصور کرد که برای تدریس یا تفریح هم‌نوعان می‌نویسند. امعان‌نظر در قرآن، ما را مجذوب می‌کند و به شگفت می‌آورد و سرانجام به تعظیم و احترام وادار می‌نماید" از دیدگاه گوته "سبک قرآن برطبق موضوع و هدفش دارای روشی جدی توأم با بزرگ منشی و تهدید کننده و حقیقتاً با احترام همراه است". وی تصریح می‌نماید: "هرگاه معنای اسلام تسلیم شدن به اراده خداوند جهان می‌باشد، پس ما همگی در اسلام زندگی می‌کنیم و مسلمان می‌میریم". ولفگانگ گوته یکی از با استعدادترین و در عین حال یکی از ناآرام‌ترین عَشَاق عصر خود بود. سراسر زندگی‌اش سرشار از شور و نشاط و التهاب تازه و کارهای نو و جستجو بود، گوته هم عاصی بود هم محافظه کار، هم مسیحی بود، هم بی‌دین، هم مرید شیطان بود هم تابع پاکان. عمرش را وقف نقاشی انسان و طبیعت کرد و به کلمات بی‌جان، حیات بخشید. گوته مقالاتی در گیاه‌شناسی و فیزیولوژی نوشت و یک نظریه تازه علمی را در باب رنگ‌ها تکمیل کرد. او هم‌چنین فلسفه خویش را بر مبنای سرگذشت واقعی انسان، پایه‌گذاری نمود. گوته بزرگ‌ترین شخصیت ادبی قرن نوزدهم و یکی از برجسته‌ترین نوای تاریخ بشر محسوب می‌شود. روح بلند پرواز، قوه تخیل بی‌نظیر، قدرت بیان و قلم سحرآمیز او در مردم آلمان سخت اثر کرد و او را سرآمد شعرا و نویسندگان آن کشور نمود به طوری که او را پدر ادبیات آلمان لقب داده‌اند. مهم‌ترین اثر گوته، فاوست نام دارد که باید گفت ثمره شصت سال کار مداوم و عمیق اوست که در واقع سرگذشت خود اوست. فاوست، سرگذشت کیمیاگری است که می‌خواهد بر همه اسرار طبیعت دست یابد و راهی به جانب ماوراءالطبیعه بگشاید. گوته از نظر ادبی در آلمان دارای همان مقامی است که دانته در ایتالیا و شکسپیر در انگلستان داشته‌اند و کمتر شخصیتی چون گوته در ادبیات جهان چنین نفوذی داشته‌اند. وی نمایش‌نامه‌نویس نام‌آورد، نویسنده دانشمند بود و علاوه بر آن، داستان‌ها و سفرنامه‌هایی از خود باقی‌گذاشت که ایفای زنی، سرگذشت نام‌آورد، ورت، سفر ایتالیا و... از آن جمله‌اند. گوته سرانجام در 22 مارس 1832م در 83 سالگی درگذشت.

رشد فزاینده جمعیت و افزایش مصرف آب، قطع بی‌رویه درختان جنگل‌ها و تغییر اکوسیستم طبیعت، رشد شهرسازی و افزایش صنایع آلوده کننده آب، شیوه‌های نامناسب و غیر اصولی کشاورزی، احداث سد‌های مخزنی و ایجاد دریاچه‌های مصنوعی، همگی از عوامل نابودی چرخه منظم آب در سطح جهان است که نوعی تهدید جدی برای جامعه بشری محسوب می‌شوند. از این‌رو و در راستای آگاه ساختن جهانیان به اهمیت روزافزون آب و ایجاد سیستم‌های جهانی و توسعه منابع آب، در کنفرانس جهانی توسعه و محیط زیست که در سال 1992م در شهر ریودو ژانیروی برزیل تشکیل شد، روز بیست و دوم مارس برابر با دوم فروردین به عنوان روز جهانی آب معین شد و در مجمع عمومی سازمان ملل متحد به تصویب رسید.

مردم غیرنظامی، از تصویب مجلس گذشت، ستارخان و باقرخان و برخی دیگر از رهبران مجاهدان، حاضر به تسلیم اسلحه نشدند. قیمت اسلحه‌ها بهانه‌ها و ظاهری ستارخان بود ولی مطلب اصلی، رقابت با بختیاری‌هایی بود که اسلحه را در دست داشتند و قسمت عمده‌ای از کشور ایران را در حیطه‌های حکومت خود گرفته بودند. از این رو، ستارخان و یارانش تصمیم به مقاومت گرفته و در پارک اتابک تجمع کردند. سرانجام جنگی بین مجاهدان و نیروهای دولتی رخ داد که به شکست مجاهدان انجامید. عاقبت با تسلیم مجاهدان، سلاح‌ها از آنان گرفته شد و ستارخان نیز مجروح گردید.